

## نهضت عاشورا و جست‌وجوی معنای زندگی

دکتر قدرت‌الله قربانی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۵

### چکیده

واقعۀ و نهضت عاشورا مشحون از وجوه گوناگون معنای زندگی مطلوب برای انسان است. این معنا با تأکید بر رویکرد فراطبیعت‌گرایی در مولفه‌هایی مانند، خداباوری، آخرت باوری، اخلاق، هدف از زندگی، جایگاه انسان و مسئله شر قابل‌بازیابی است. در واقع، با بازخوانی نهضت عاشورا می‌توان نقش برجسته مؤلفه‌های مذکور را به روشنی ملاحظه کرد تا بتوان معنای زندگی را به معنای‌ای چون ارزش، هدف و کارکرد زندگی مورد فهم و بازاندیشی قرار داد. جست‌وجوی معنای زندگی در نهضت عاشورا، به معنای عبور از لایه‌های ظاهری و جنبه شعائری آن و نفوذ در لایه‌های زیرین و آموزه‌های متعالی اصلی آن است. در واقع تقرب ما شیعیان به ارزش‌ها و آموزه‌هایی مانند آزادی خواهی، عدالت طلبی، ظلم ستیزی، مظلوم دوستی، امر به معروف و نهی از منکر در پرتو تعالیم عاشورا است که تلاش و تقلای ما را در این جست‌وجو ارزشمند می‌سازد. پس، دست یافتن و

---

۱. دانشیار فلسفه دانشگاه خوارزمی (qorbani48@gmail.com)

التزام عملی به آموزه‌های متعالی فوق در نهضت عاشورا است که  
جست‌وجوی معنای زندگی را برای ما ارزشمند می‌سازد.  
کلیدواژگان: معنای زندگی، فراطبیعت‌گرایی، خداباوری، ارزش  
زیستن، اخلاق.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها جست‌وجوی معنای زندگی به‌طور کلی یا در  
بخش‌هایی از زندگی است. در واقع انسان به‌عنوان موجودی خلاق و جست‌وجوگر همواره  
در راه ساختن و جست‌وجوی معنایی جدید و کارآمد از زندگی خود در این جهان خاکی  
است. مواردی چون تلاش آدمیان برای کسب معرفت، تمایل به زیبایی و خیر، تلاش برای  
زندگی اخلاقی، حب ثروت و شهرت، دوست داشتن و محبت به دیگران و به‌ویژه میل به  
نامیرایی و جاودانگی طلبی، همگی نشان از اهمیت جست‌وجوی معنای زندگی انسان در  
این جهان مادی است. در واقع همه تلاش آدمیان در همه یا اکثر زمینه‌های معرفتی،  
اخلاقی، سیاسی، هنری، فرهنگی و اجتماعی در راستای تأمین میل ذاتی جاودان شدن  
است که در صورت تأمین درست آن، آدمی می‌تواند مدعی معنا داشتن زندگی خود باشد؛  
زیرا معنا داشتن زندگی منوط به امکان تمهید پاسخ‌های منطقی به سه پرسش از ارزش  
زندگی، هدف زندگی و کاربرد آن است.

به عبارت دیگر، زمانی ما می‌توانیم مدعی معناداری زندگی خود شویم که بدانیم  
زیستن ما چه ارزشی دارد، هدف از این زندگی چیست و مجموعه رویدادها و تحولات  
زندگی چه کارکردهایی دارند؟ در پاسخ به چنین پرسش‌هایی، نقش مؤلفه‌ها و متغیرهای  
مهمی را مطرح می‌سازند که به‌طور استقرایی عبارتند از خدا، انسان، مرگ و آخرت‌باوری،  
مسئله شر، اخلاق و هدف زندگی. اهمیت این مؤلفه‌ها از آن جهت است که تنها در  
صورت فهم درستی از آن‌ها می‌توان به سه پرسش مهم در باب ارزش، هدف و کاربرد  
زندگی پاسخ منطقی داد و مدعی معناداری زندگی شد. بر این اساس، در ادبیات نظریات  
معنای زندگی، سه رویکرد مهم طبیعت‌گرایی، ناطبیعت‌گرایی و فراطبیعت‌گرایی وجود



دارند که هریک از منظرهای گوناگون به مؤلفه‌های مزبور نگریده و پاسخی متفاوتی به پرسش‌های مذکور داده و لذا معنایی متفاوت از دیگری برای خود ترسیم می‌کنند. رویکرد طبیعت‌گرایی بر قابلیت‌های جهان مادی و علوم طبیعی جدید و رویکرد ناطبیعت‌گرایی بر استعداد‌های عقل بشری و اصول صرفاً عقلی انسانی برای تأمین معنای زندگی نظر دارند. اما رویکرد فراطبیعت‌گرایی بر نقش محوری حقیقتی فراطبیعی و الهی مانند خدا، برای شکل گرفتن معنای زندگی تأکید دارد. در این زمینه، ادیان الهی آموزه‌های بسیار مهم نظری و راه‌کارهای عملی کارآمدی برای شکل‌دهی معنایی منطقی از زندگی انسان در این دنیا دارند؛ یعنی هم در نصوص دینی ادیان الهی و هم در سیره و سنت بزرگان آن ادیان، نمونه‌ها و شواهد الگوهای نظری و عملی مهمی برای ترسیم چگونگی معنایی کارآمد از زندگی انسان قابل جست‌وجو است.

در این زمینه نهضت عاشورای امام حسین علیه السلام از بهترین الگوهای عملی الهی - اسلامی است که قابلیت ترسیم شکل معناداری از زندگی انسان در این دنیا را دارد و می‌تواند حتی برای دیگر انسان‌ها هم به عنوان الگویی کارآمد مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا در نهضت عاشورا همه مؤلفه‌های معنای زندگی دارای معنای متعالی خاص خود هستند و می‌توانند پرسش‌های مهم معنای زندگی، به ویژه پرسش از ارزش زیستن و هدف از زندگی را به طور دقیق پاسخ دهند.

بر این اساس، در این تحقیق نشان داده می‌شود که ماهیت پرسش‌ها و مؤلفه‌های معنای زندگی چیست و چگونه نهضت عاشورا چنین مؤلفه‌ها و پرسش‌هایی را در عالی‌ترین شکل و سطح خود بازسازی و بازتعریف می‌کند و به انسان دیروز و امروز راه زیستن معنادار را می‌آموزد؟ همچنین تلاش می‌شود تبیین گردد که رسالت مؤمن شیعی در جست‌وجوی معنای زندگی خود در نهضت عاشورا چیست و آن را در کدام سطح از آموزه‌ها یا شعائر عاشورایی باید جست‌وجو نماید؟ در ادامه ابتدا جایگاه تک‌تک مؤلفه‌های معنای زندگی در نهضت عاشورا بررسی شده، نشان داده می‌شود که هریک از این مؤلفه‌ها چه نقشی در پاسخ‌دهی به پرسش‌های معناداری زندگی انسان دارند و چگونه می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

## خداپاوری

خداپاوری نه تنها مهم ترین متغیر جداکننده ادیان به دو قسم بزرگ ادیان خداپاورو غیرخداپاوراست بلکه مطابق رویکرد فراطبیعت گرایی، آن اساس معنای زندگی است. درواقع نظریه های مدافع رویکرد فراطبیعت گرایی تلاش دارند تا ضرورت وجود خدا را برای معناداری زندگی انسان نشان دهند. طبق این دیدگاه زندگی ای که برطبق فرض وجود خدا سامان یافته باشد با زندگی بدون فرض وجود خدا متفاوت است. (بیات، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹-۱۲۸) آفدیس گوستین در این زمینه تأکید دارد که فقط خدا می تواند معنای نهایی را به زندگی ما عطا نماید. (تامسون، ۱۳۹۶، ص ۲۳)

این رویکرد برای اهمیت ضرورت وجود خدا به لوازم مهم خداپاوری تأکید دارد که از جمله آن ها می توان به هدف مندی خلقت جهان و انسان، ضرورت اجرای کامل عدالت و اخلاق و نظایر آن اشاره کرد. درواقع بدون وجود خدا نمی توان هدف مندی خلقت جهان، تحقق فضایل اخلاقی و اجرای کامل عدالت را متصور شد. ضمن این که با پذیرش ضرورت وجود خدا برای معنای زندگی، وجود انسان نیز اهمیت دوچندان می یابد؛ زیرا انسان مهم ترین ابزار خدا برای تحقق اهداف الهی در روی زمین است که این مهم نشان دهنده جایگاه برجسته نوع آدمی است. درواقع، خداوند انسان را آفریده تا به تحقق آرمان های الهی اقدام کرده، موجبات تعالی معنوی خود را هم فراهم سازد. (بیات، ۱۳۹۴: ۱۴۱ به نقل از Baier, 2000: 120)

اکنون با توجه به متغیر خداپاوری می توان به اهمیت آن در نهضت عاشورا توجه داشت. در این زمینه می توان پرسید خداپاوری در نهضت عاشورا، چه نقشی داشت و چگونه توانست معنایی الهی به این نهضت بدهد؟ در این زمینه ابتدا باید توجه داشت نهضت عاشورا در چارچوب جهان بینی توحیدی اسلامی شکل گرفته است. یعنی این نهضتی است با رویکرد کاملاً فراطبیعت گرا که در آن همه امور رنگ خدایی دارند. به همین دلیل، مهم ترین متغیر معنای زندگی؛ یعنی خداپاوری، اساس نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام است.



در این خصوص، امام حسین علیه السلام به رنگ خدایی نهضت خود اشاره دارد. ایشان در نامه ای که به مردم و بزرگان شهر بصره می نویسد، ضمن تأکید بر جایگاه خودشان بعنوان شایسته ترین افراد برای حکومت بر مردم، آن ها را به عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله برای رسیدن به سعادت حقیقی دعوت می کنند. (نک: نجمی، ۱۳۹۳، ص ۷۳) چنین دعوتی نشان دهنده نقش مبنایی خدا باوری در نهضت عاشورا است. او همچنین در سخنان خود خطاب به برادرش محمد بن حنفیه تأکید می کند که «هدف او از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته اش از این حرکت، اصلاح مفاصل امت جدش و احیای سنت و قانون جدش، رسول خدا صلی الله علیه و آله و راه و رسم پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (نک: خوارزمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۷۳، مجلسی، ۱۴۱۷: ۴۴ / ۳۳۰-۳۲۹) در حالی که بر حقیقت جویان عالم آشکار است که راه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله منطبق بر عالی ترین شکل متصور از خدا باوری و توحید است. پس، خدا باوری مهم ترین و اساسی ترین متغیر معنادهنده به نهضت عاشورا است که در آن همه اعمال و گفتار دارای جهت و رنگ خدایی هستند و به همین دلیل است که در راهی که برای خداست و هدف آن تقرب به قرب حق تعالی است، تحمل همه سختی ها و بلاها و شرور نیز معنادار و شیرین هستند؛ زیرا این جانیش ها هم رنگ نوش را دارند و به زندگی ما معنایی دیگری می دهند. علاوه بر این جایگاه امام حسین علیه السلام به عنوان امام و ولی مسلمانان و عضو اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که بهترین مفسران قرآن و تبیین کنندگان آموزه های دین هستند، به طور طبیعی مبین نقش آموزه خدا باوری توحیدی در نهضتی است که ایشان بنا کرده است که به کلی رنگ خدایی دارد و از هرگونه خواسته های دنیوی و بشری پیراسته است.

### آخرت باوری

آخرت باوری از مهم ترین مؤلفه های شکل دهنده معنای زندگی است. تفاوت عظیم میان ادیان آخرت باور و غیر آخرت باور منجر به شکل گیری دو جهان بینی کاملاً متفاوت برای انسان می گردد. ضمن این که آخرت باوری مهم ترین پاسخ منطقی به انسانی است که تمنای جاودانگی دارد؛ زیرا در حالی که مرگ مهم ترین عامل برهم زننده آرزوهای انسان

و عامل تهدیدکننده معنای زندگی دنیوی است، تنها آخرت باوری است که روزنه امید را گشوده و با نشان داده امکان تداوم حیات ما در جهانی دیگر، منطقی‌ترین پاسخ را به میل جاودانگی ما داده و حتی مرگ را به عنوان ضرورت گذراز زندگی موقت دنیوی به حیات جاودان اخروی بازتعریف می‌کند.

همچنین آخرت باوری، مهم‌ترین عامل معنادهنده به فلسفه شرور و خیرات و نشان دهنده حکمت و عدالت الهی است؛ زیرا بدون وجود حیات اخروی و محدودیت این دنیا برای برآوردن پاداش نیکی‌ها و کیفر مجازات، عدل و حکمت الهی مورد تردید و پرسش واقع می‌شد و زیر سؤال می‌رفت. نهایتاً این‌که آخرت باوری عامل صبر و توکل و امید انسان مؤمن در تحمل شدائد و سختی‌هاست؛ زیرا او باور دارد که نتیجه تحمل شدائد در عالم آخرت متجلی خواهد شد. در این زمینه در رویکرد فراطبیعت‌گرا بر نقش و اهمیت جاودانگی انسان برای معناداری زندگی تأکید می‌شود، در حالی که جاودانگی تنها زمانی به طور حقیقی محقق شدنی است که امکان حیات دیگر برای او میسر باشد. (نک: بیات، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۷۸)

وقتی جریان نهضت عاشورا و سخنان امام حسین علیه السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد، مشخص می‌شود که یکی از مبانی و عناصر مهم این نهضت، آخرت باوری است؛ یعنی اصلاح دین و دنیای مردم دقیقاً ناظر به تأمین سعادت اخروی آن‌هاست. و این‌که دست‌آوردهای دنیوی، مانند حکومت و ثروت، تنها زمانی ارزشمندند که در راستای اهداف آخرت باورانه مورد استفاده قرار گیرند. بر این اساس، اشاره به رویکرد آخرت باورانه و ضرورت تحمل سختی‌ها و شدائد برای دریافت پاداش الهی و موقتی تلقی کردن نتایج دنیوی، از مهم‌ترین ویژگی‌های نهضت عاشورا است. برای مثال، مواردی چون اشاره امام علیه السلام به کشته شدن او در جریان واقعه عاشورا و به اسارت رفتن اهل بیت در گفت‌وگوی او با ام سلمه، قرائت آیه ۲۱ سوره قصص در هنگام خروج از مکه، تأکید بر شهادت خود و یارانش در نامه به برادرش محمد بن حنفیه، اشاره به این‌که پیروی از نهضت اصلاحی او منجر به سعادت و هدایت حقیقی خواهد شد، در نامه به مردم بصره (نک: نجمی، ۱۳۹۳: ۷۳) و نظایر آن نمونه‌هایی از اشارات دقیق امام علیه السلام به آخرت باوری و نقش آن در

معناداری زندگی انسان است.

در این زمینه از مهم ترین سخنان سیدالشهدا علیه السلام، خطبه معروف او در ایام حج در مکه است. در این خطبه موارد درخشانی وجود دارد که سرنوشت و آینده نهضت اصلاحی او را تعیین می کند در حالی که هنوز خبری از جانب کوفه دریافت نشده است. امام علیه السلام نشان می دهد که عاقبت کلی نهضت اصلاحی او کشته شدن خودش و یارانش در راه خداست؛ زیرا آینده نهضت الهی او تنها در صورتی تضمین شده است که خون او و یارانش در این راه ریخته شود. پس مرگ، تقدیر حتمی او و یارانش است فقط ممکن است زودتر یا دیرتر واقع شود اما نتیجه اصلی کشته شدن او در بیابان کربلا، تحقق وعده الهی در آینده تاریخ است که آن رسوایی ابدی ظالمان، دفاع از عدالت و آزادی و انسانیت و فراهم شدن زمینه حکومت فرزندان صالح خدا در روی زمین است. او در بخشی از سخنان خود می فرماید:

آگاه باشید هر یک از شما که حاضر است در راه ما از خون خود بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقاء پروردگار نثار کند، آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد، ان شاء الله. (ابن طاووس، ۱۳۲۱: ۵۳؛ خوارزمی، ۱۳۶۷: ۵/۲)

بنابراین رویکرد آخرتی و جهان بینی الهی و قطع تعلق از اهداف و علایق موقتی دنیوی از مهم ترین ویژگی های آموزه آخرت باوری در اندیشه امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا است که نه تنها خود آن نهضت را رنگ و بوی خاصی می دهد، بلکه به همه انسان های خدا باور و آخرت باور هم درس جانبازی در راه خدا می آموزد. اهمیت این آموزه، یعنی آخرت باوری همچون خدا باوری به قدری در جریان نهضت عاشورا حیاتی است که حذف آن نه تنها باعث تهی شدن آن از معنا شده، بلکه کلیت نهضت عاشورا را مورد تردیدهای اساسی قرار می دهد. پذیرش فیض شهادت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای او و اسارت خاندان اهل بیت و سختی های ناگوار بعدی، همگی بر اساس آموزه های بنیادینی چون خدا باوری و آخرت باوری بنا شده و دارای معنا و ارزش خاصی بوده و همچون الگویی برای دیگر انسان ها هستند تا بر اساس آن زندگی خود را بازسازی کرده و برای آن معنایی خدا باورانه و آخرت گروانه تدارک ببینند.

## اخلاق

اخلاق نیز از مؤلفه‌های مهم معنادهنده به زندگی انسان است. در نظریات معنای زندگی، علاوه بر رویکرد فراطبیعت‌گرایی، در رویکرد ناطبیعت‌گرایی نیز بر اهمیت و محوریت اصول اخلاقی برای معنادارسازی زندگی انسان تأکید خاصی شده است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که یک سلسله اصول یا پیش‌فرض‌های صرفاً عقلی مانند آزادی اراده و اصول اخلاقی می‌توانند تأمین‌کننده معنای زندگی باشند.

جان مارتین فیشر، از متفکران طرفدار این رویکرد، بر این باور است که اختیار و داشتن آگاهی و چشم‌اندازی نسبت به آینده، دو ویژگی منحصر به فردی است که هر فرد انسانی به مدد آن هم بنای زندگی خویش را می‌سازد و هم مسئولیت اخلاقی رفتار و کردار خویش را می‌پذیرد. رابرت آئودی نیز بر این عقیده است که هرگونه نیکی و خوبی در زندگی انسان‌ها، چه از مقوله رفتار و چه از مقوله فکر و اندیشه دارای ارزش اصیل است و ارزش‌های اصیل و ذاتی هم دارای سرشتی غیرطبیعی و غیرمادی است و می‌تواند زندگی ما را معنادار سازد. (بیات، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۴)

در رویکرد فراطبیعت‌گرا هم وجود خدا برای ضمانت اصول اخلاقی و تحقق نتایج افعال اخلاقی انسان‌ها دارای ضرورت مهمی است. حال هر یک از دو رویکرد که اتخاذ گردد یا این که در سنت کلامی اسلامی به نظریات حسن و قبح عقلی یا شرعی معتقد باشیم، نقش مبانی و اصول اخلاقی در تأمین سعادت انسان انکارناشدنی است.

در این زمینه، در اکثر رویکردها بر مبانی اخلاقی چون آزادی خواهی، عدالت طلبی، نیک خواهی، ظلم ستیزی، مظلوم دوستی، انسان دوستی، راست‌گویی، تنفر از دروغ‌گویی و نظایر آن تأکید فراوان شده است. در واقع انسانی که زندگی‌اش بدون چنین ارزش‌های بنیادینی قوام یابد، حتی با همه برخوردارهایها و تنعمات دنیوی، سعادت‌مند نیست. حتی اگر در خود احساس سعادت‌مندی کند. چنین انسانی فاقد معنای زندگی است حتی اگر احساس سرشاری از معنای زندگی داشته باشد.

در مقابل، انسانی که معتقد و متعهد به چنین مبانی و اصول اخلاقی باشد، قطعاً





دارای زندگی معناداری است و از زندگی خود اهداف و غایات اخلاقی متعالی را جست و جوی کند؛ زیرا نهایت التزام به قواعد اخلاقی سعادت مندی دنیوی و به ویژه اخروی است که حالت دوم مبین معنای حقیقی زندگی است.

در این زمینه هم مشاهده می شود که رفتار امام حسین علیه السلام و یاران او در کلیت جریان نهضت عاشورا مشحون از اعتقاد و پایبندی آن ها به مبانی و ارزش های اخلاقی است. تأکیدات مکرر امام در مواضع گوناگون بر این که هدف از نهضت او اجرای عدالت، نابودی ظلم، حمایت از مظلومان و ستمدیدگان، دفاع از آزادی و حریت و نظایر آن است و این که امام علیه السلام خود شخصاً اهل نیکی، راست گویی، حسن خلق و نوع دوستی است، شایان توجه است. مواردی چون پاسخ مثبت امام علیه السلام به نامه تظلم خواهی مردم کوفه از مهم ترین مصادیق جایگاه شایسته عدالت و ظلم ستیزی و مظلوم دوستی امام است.

در حالی که مردم کوفه در این زمینه سابقه چندان خوبی نیز نداشتند، ولی تعهد انسانی، اخلاقی و دینی امام حسین علیه السلام به دفاع از مظلوم و ضرورت تلاش برای رفع ظلم موجب پاسخ مثبت او به درخواست کمک آن ها می شود. در حالی که خطر چنین پاسخی شهادت امام علیه السلام و یارانش بود.

همچنین تأکیدات او به سپاهیان حربر پذیرش مسئولیت اخلاقی خودشان که دعوت کننده امام بودند، تأکید بر ماهیت ظالمانه حکومت بنی امیه و دعوت از مردم برای لبیک گفتن به دعوت عدالت طلبی امام علیه السلام، تأکید بر ضرورت حمایت همه انسان ها از آمران به معروف و دوری از آمران به منکر، عدم اقدام پیشین به جنگ با لشکریان عمر سعد و استفاده از توصیه های اخلاقی و دینی در دعوت آن ها به حق و تأکید بر ضرورت تقید به فضایل اخلاقی و حتی جانبازی در راه آن ها از نمونه های روشن التزام عملی و نظری امام علیه السلام به اصول و آرمان های اخلاقی است. در این زمینه به طور نمونه، امام علیه السلام در هنگام ورود به سرزمین کربلا سخنان ارزشمندی را بیان می کنند که در آن ها تقید به ارزش های اخلاقی موج می زند:

اما بعد... پیشامد ما همین است که می بینید، جداً اوضاع زمان دگرگون گردیده. زشتی ها آشکار و نیکی ها و فضیلت ها از محیط ما رخت بر بسته است. از فضایل

انسانی باقی نمانده است مگر اندکی مانند قطرات ته مانده ظرف آب. مردم در زندگی ننگین و ذلت باری به سر می‌برند که نه به حق عمل و نه از باطل روگردانی می‌شود. شایسته است که در چنین محیط ننگین، شخص با ایمان و با فضیلت فداکاری و جانبازی کند و به سوی فیض دیدار پروردگارش بشتابد. من در چنین محیط ذلت بار مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با این ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی‌دانم. این مردم برده‌های دنیا هستند و دین لقلقه زبان‌شان است. حمایت و پشتیبانی‌شان از دین تا آن جاست که زندگی‌شان در رفاه است و آن‌گاه که در بوته آزمایش قرار گیرند، دین‌داران کم خواهند بود. (خوارزمی، ۱۳۶۷: ۱/۲۳۷؛ ابن طاووس، ۱۳۲۱: ۶۹؛ حرانی، ۱۳۹۴: ۱۷۴)

این سخنان نشان‌دهنده جایگاه متعالی آرمان‌های اخلاقی در نگاه سیدالشهدا علیه السلام است. در حالی که حتی انسان‌های غیر خدا باور نیز عمدتاً به چنین ارزش‌هایی تعلق خاطر دارند. در واقع لازمه اخلاقی بودن و رای تعلقات دینی، التزام عملی به ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، راست‌گویی، خوبی، ایثار و نظایر آن است. همان‌طور که امام علیه السلام نیز لشکر عمر سعد را در واپسین لحظات جنگ، وقتی که به خیمه‌ها یورش می‌بردند، مورد خطاب قرار داده و تأکید می‌کند که لازمه انسانیت آن است که حتی انسان‌های بی‌دین نیز آزاد مرد باشند؛ زیرا آزادی مهم‌ترین مقوم و بنای انسانیت انسان است.

از این رو نهضت عاشورا مشحون از تأکیدات مکرر امام حسین علیه السلام به التزام به ارزش‌های اخلاقی و مملو از تحقق عینی اصول اخلاقی است. به همین دلیل است که دایره نفوذ چنین نهضتی از جامعه مسلمانان فراتر رفته و توانسته قلوب همه یا اکثر انسان‌های آزادی‌خواه را متوجه خود سازد؛ زیرا همه یا اکثر انسان‌های اعصار مختلف نیز به‌طور طبیعی علاقه و دل‌بسته ارزش‌های اخلاقی‌اند و چه بسا مانند شهدای کربلا، جان خود را در راه تحقق چنین ارزش‌هایی فدا می‌کنند. خلاصه این‌که تبلور مجموعه مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی در نهضت عاشورا، این نهضت را دارای معنایی اخلاقی ساخته که برای هرانسان اخلاقی شایسته توجه و الگوسازی از آن است.

## جایگاه انسان

از عناصر و مؤلفه‌های مهم معناداری زندگی آدمیان، نوع نگاه آن‌ها به انسان و در واقع جایگاه انسان در کلیت نظام هستی است. مطابق رویکرد فراطبیعت‌گرایی است که آموزه‌هایی چون خلافت الهی، دمیده شدن روح الهی در انسان و آفریده شدن او بر صورت الهی، این‌که دیگر مخلوقات به منظور بهره‌مندی انسان خلق شده‌اند یا بهشت بهای دین‌داری و اخلاق متعالی بشری است، دارای ارزش خاص خود می‌گردند. در این چشم‌انداز، انسان عصاره خلقت، سعادت او هدف از خلقت نظام هستی، ارسال دین و انبیاء الهی برای هدایت او به سعادت بوده و خداوند هر آن در کار راهنمایی او به صراط مستقیم است.

بر این اساس است که خداوند آفرینش او را بهترین آفرینش تلقی کرده، به او اسماء و اسرار الهی را آموخته و به فرشتگان خود دستور تعظیم در برابر عظمت او را می‌دهد. از سوی دیگر، در رویکرد ناطبیعت‌گرایی نیز انسان دارای جایگاه بسی برتر و شایسته است. در این رویکرد صرفاً بر قابلیت‌های فطری و اصول اخلاقی و عقلی انسان برای تأمین معنای زندگی تأکید می‌گردد. در واقع، در این رویکرد با تکیه بر خود انسان، به ارزش و اهمیت اراده آزاد، عقل و اصول اخلاقی او تمرکز خاصی می‌گردد. (بیات، ۱۳۹۴: ۱۲۱)

حال ملاحظه مختصر نهضت عاشورا نیز بزرگداشت مقام و جایگاه انسان در نگاه رهبر این نهضت و یاران با وفای او را متجلی می‌سازد و پیوند آموزه انسانیت دوستی را با اخلاق متعالی نشان می‌دهد. در این نهضت نحوه رفتار امام حسین علیه السلام با دشمنان خود و دعوت آن‌ها به اخلاق انسانی، تأکیدات مکرر ایشان بر ضرورت اصلاح امت مسلمان، اجرای امر به معروف و نهی از منکر، توجه به اصل سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی مسلمین، ضرورت مخالفت مردم با حاکم ظالم و اقبال به دفاع از مظلوم و تأکیدات مکرر بر اصل آزادی و تحقق عدالت از مهم‌ترین موارد وفاداری امام به جایگاه برتر انسان و ارزش‌های انسانی است. در این زمینه او در وصیت به محمد بن حنفیه می‌گوید:

من نه از روی خودخواهی و یا برای خوش‌گذرانی و نه برای فساد و ستم‌گری از شهر

خود بیرون شدم، بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته‌ام از این حرکت، اصلاح مفسدات جدم و احیای سنت و قانون جدم، رسول خدا ﷺ و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام است. (خوارزمی، ۱۳۶۷: ۲۷۳/۱؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ۴۴/۳۲۹-۳۳۰)

ایشان در نامه به مردم بصره بر ضرورت احیای سنت نبوی تأکید دارد که از مسیر اصلی خود منحرف شده است:

شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ دعوت می‌کنم؛ زیرا در شرایطی قرار گرفته‌ایم که دیگر سنت از میان رفته و جای آن را بدعت فرا گرفته است. اگر سخن مرا بشنوید شما را به سعادت و خوشبختی هدایت خواهم کرد. (نجمی، ۱۳۹۳: ۷۳)

امام همچنین در سخنان خود خطاب به مردم کوفه می‌گوید:

ای مردم! پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر مسلمانی با سلطان زورگویی مواجه گردد که حرام خدا را حلال نموده و پیمان الهی را درهم می‌شکند و با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت درآمده و در میان بندگان خدا راه گناه و معصیت و دشمنی در پیش می‌گیرد و او در مقابل چنین سلطانی با عمل و یا با گفتارش اظهار مخالفت ننماید، بر خداوند است که این فرد را به محل همان طغیان‌گر، در آتش جهنم داخل کند.» (خوارزمی، ۱۳۶۷: ۱/۲۲۹؛ ابن اثیر، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۰)

این موارد به عنوان نمونه نشان می‌دهند که وفاداری به آموزه انسانیت دارای برخی لوازم اخلاقی و دینی است. از لوازم اخلاقی آن قیام برای تحقق عدالت، آزادی و نابودی ظلم و از لوازم دینی آن عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام مقدم است که ممکن است در این راه شخص مجاهد حتی جان خویش را فدا کند. در واقع پای بندی به اصول انسانی و اخلاقی، صرف یک التزام زبانی نیست بلکه التزامی عملی و عینی است که می‌تواند هرگونه پیامد ناگوار دنیوی را در برداشته باشد. به همین دلیل است که امام حسین علیه السلام هم به نامه‌های کوفیان پاسخ مثبت می‌دهد و هم برای دفاع از مظلومان جان خود و یاران خود را فدا می‌کند و هم در راه رسیدن به اهداف نهضت الهی

خود هیچ‌گاه از اصول انسانی و اخلاقی تخطی نمی‌کند؛ زیرا آن چه مهم است تعالی ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است. ارزش‌هایی مانند عدالت، شرافت، آزادی خواهی و مانند آن. نه به دست آوردن حکومت در کوفه و یا جای دیگر. به همین دلیل است که نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام در نگاه همه انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌جو، فارغ از دین، ملیت، نژاد و فرهنگ آن‌ها، دارای ارزش متعالی است و می‌تواند به عنوان الگویی زنده و بالنده مورد استفاده قرار گیرد.

### مسئله شر

اهمیت مسئله شر در باب معنای زندگی، عمدتاً نقش منفی آن؛ یعنی وجه تهدیدکنندگی آن نسبت به معنای زندگی است. برخی از متفکران و فیلسوفان، مسئله شر را مهم‌ترین پایگاه الحاد می‌دانند؛ یعنی در صورت اثبات اصالت وجود شر در جهان هستی یا وجود خدای نامتناهی قادر، عالم و خیرخواه مطلق منتفی است یا این‌که به طور کلی وجود خدا موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

اگر چنین نتیجه‌ای از وجود شر در جهان حاصل شود، از مهم‌ترین پیامدهای آن نفی هرگونه معنای منطقی برای زندگی انسان است. در مقابل، رویکردهای خداپاورانه تلاش دارند تا به طرق مختلف وجود شرور جهان را توجیه کنند تا هم وجود خدا تضمین گردد و هم او با داشتن صفات نامتناهی از مقام الهی خود ساقط نگردد تا این‌که زندگی انسان معنایی بسنده و کارآمد برای خود داشته باشد. در این زمینه، برخی فیلسوفان خداپاور با نظریه شرور اخلاقی، وجود آن‌ها را جزء لازم خلقت جهان هستی و ساختار وجودی انسان در نظر می‌گیرند. در مورد انسان، فلسفه وجود شرور را می‌توان در موارد زیر توجیه و تبیین کرد:

۱. شرور لازمه اختیار و آزادی انسان هستند.
۲. شرور نتیجه عواقب گناهان انسان‌هاست.
۳. شرور نتیجه طبیعی و منطقی سوءاستفاده انسان از اختیار خود هستند.
۴. شرور موجب تعالی روح و صیقل خوردن روح انسان‌های مؤمنند.

۵. شرور لازمه آزمایش انسان‌های نیک برای تعالی معنوی و گرفتار کردن بدکارانند.  
 ۶. شرور متعلق جعل ذاتی خلقت الهی انسان و جهان هستند؛ یعنی خلق جهان ماده به واسطه فقدان آن و خلق انسان به واسطه موهبت اختیار، بدون خلق شرور امکان ندارد اما شرور قصد ذاتی حق تعالی نیستند، بلکه هدف از خلق آن‌ها تحقق خیرات بیشتری است. (قربانی، ۱۳۹۵: ۹۰-۹۶)

اکنون با نظر به دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی که درباره شرور وجود دارد، ما با این پرسش مهم مواجه هستیم که آیا خود واقعه عاشورا، رخدادی شرورآمیز نیست که خداوند می‌توانست مانع تحقق آن شود ولی مانع نشد؟ زیرا در این رخداد، سیدالشهدا علیه السلام به عنوان ولی خدا و برخی انسان‌های مؤمن کشته شدند. همچنین ما می‌دانیم که جزئیات واقعه عاشورا از زمان حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه تا شهادت او و یارانش در روز عاشورا و سپس به اسارت رفتن اهل بیت گرامی‌اش، مشحون از انواع بلاها، مصیبت‌ها، شدائد و سختی‌ها بوده است. تشنگی اطفال، کشته شدن امام حسین علیه السلام به عنوان ولی خدا و یاران با وفای او به فجیع‌ترین وضع، قطعه قطعه شدن پیکرهای شهدا، کشته شدن طفل شش ماهه، به غارت رفتن خيام اهل بیت و همه ظلم‌هایی که به اهل بیت ایشان در طول اسارت رفت، همگی نمونه‌های آشکاری هستند که تجلی شرور را در نهضت عاشورا نشان می‌دهند.

اهمیت و برجستگی جنبه شرورآمیز واقعه عاشورا به حدی است که برخی شیعیان، به ویژه مداحان و عوام مردم، وقتی به این واقعه متوجه می‌شوند عمدتاً به جنبه سیاه و تاریک و شرورآمیز آن می‌پردازند و بعضاً از توجه به جنبه خیر بودن و نورانی آن غافلند یا سیاهی جنبه شرورآمیز آن باعث عدم توجه آن‌ها به جنبه نورانی آن می‌شود.

در این جاست که نداشتن توجیه منطقی لازم درباره علل و فلسفه شرور و مصیبت‌های واقعه عاشورا ممکن است نوع نگاه به آن را به طور کلی تغییر دهد. پس باید هم برای کلیت جنبه تاریک و شرورآمیز واقعه عاشورا توجیه عقلانی لازم داشته باشیم و هم بتوانیم بلاهای رخ داده در این واقعه را در پرتو نگرش الهی بازخوانی کنیم؛ زیرا تنها در این صورت است که نهضت عاشورا با وجود جنبه تاریک و شرورآمیز آن، نهضتی معنادارنده به زندگی ماست.

بدین منظور باید با توجه به ذوابعاد بودن شرور اخلاقی، به نقش آن‌ها در واقعه عاشورا توجه داشته باشیم؛ یعنی همان‌طور که در واقعه عاشورا دو گروه نیکان و بدان در مقابل هم صف‌آرایی کرده بودند، شرور این واقعه هم در نسبت با آن‌ها معنای خاص خود را دارد. تحمل مصیبت‌ها و بلاها برای سیدالشهدا علیه السلام و یاران با وفای او موجب صیقل خوردن روح آن‌ها و تعالی معنوی‌شان گردیده، در مقابل ارتکاب شرور توسط سپاهیان اشقیای موجب تکامل آن‌ها در اتصاف به شقاوت به بدبختی گردیده است.

لازمه منطقی و طبیعی و این جهانی برساختن نهضتی جهانی توسط امام حسین علیه السلام و متعالی ساختن آرمان‌های دینی، اخلاقی و انسانی مبتلا ساختن خود و دوستان خود به برخی شداید و شرور است؛ زیرا در صرف آرامش و آسایش طلبی، هیچ ارزش متعالی دینی، اخلاقی و انسانی برجسته نمی‌گردد و برای مردم قابل توجه و الگوسازی نیست. بنابراین تحمل انواع سختی‌ها توسط سیدالشهدا علیه السلام و یاران او و مصیبت‌های طاقت‌فرسای اهل بیت امام علیه السلام همگی برای متعالی ساختن و برجسته نمودن ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی بود که این قیام به همان منظور برپا شده بود. نتیجه آن‌که صحنه سیاه و شرورآمیز رخ داده در واقعه عاشورا، از بابت رخ دادن جز جعل ذاتی حق تعالی است؛ یعنی بدون رخ دادن چنین وقایعی، عاشورایی به پا نمی‌شد. اما این رخداد‌های ناگوار، خود ذاتاً مقصود حق تعالی نبود، بلکه قصد ذاتی او اعلان ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی دینی، اخلاقی و انسانی به بشریت همه نسل‌ها و اقشار بود.

براین اساس، شرور رخ داده در عاشورا نه تنها نافی معنای متعالی این واقعه و نهضت نیست، بلکه در برجسته‌سازی معنای آن و الگوسازی از آن واقعه و نهضت کارایی مهمی نیز دارند.

### هدف زندگی

- ۱۰۵ پرسش از هدف زندگی نیز نقشی بسیار تأثیرگذار در معناداری زندگی انسان دارد؛ زیرا بی‌هدفی، خود مهم‌ترین عامل بی‌معنایی زندگی ماست. بی‌هدفی منجر به تلاش صرف انسان برای هرچه بیشتر لذت بردن از داشته‌های مادی زندگی و بسنده کردن به لذات و

تمتع‌های مادی و دنیوی موقت است. مشکل بی‌هدفی زندگی محدود شدن افق نگاه ما به مرزهای لذات دنیوی و محرومیت از تأمل در باب وامکان استفاده از نعمات حیات اخروی یا سعادت مندی اخلاقی است. هدف زندگی هم قابل محدود شدن به حیات دنیوی و هم امکان بسط آن به جهان دیگر را دارد. اما آن چه مهم است نقش محرک آن در اندیشه و عمل انسان است. انسانی که برای کلیت زندگی خود هدفی مشخص در نظر می‌گیرد، تلاش دارد نظام فکری خود و تک تک تلاش‌ها و تقلای خود را در جهت تقرب به آن هدف سامان دهد. ضمن این‌که برای چنین انسانی همه لحظات خوش و ناخوش زندگی و همه حرکات جزئی هم هدف‌مند بوده و در نتیجه کلیت زندگی انسان دارای معنای خاص خود است.

تنها نکته مهم لحاظ اهداف دنیوی کوتاه‌مدت و فناپذیر یا اهداف آخرتی پایدار و معنوی است که می‌تواند کیفیت معنایی که برای زندگی لحاظ می‌شود را تغییر دهد. به عبارت دیگر، دست‌کم دو گونه اهداف برای زندگی می‌توان در نظر گرفت: یکی اهداف کوتاه‌مدت دنیوی و دیگری اهداف بلندمدت و اخروی. ضمن این‌که در نظر گرفتن هر دو نوع این اهداف نیز در تعارض با همدیگر نیست؛ زیرا می‌توان اهداف کوتاه‌مدت دنیوی را طوری در نظر گرفت که آن‌ها به مثابه گام‌هایی برای تحقق اهداف بلندمدت و اخروی عمل نمایند.

همچنین می‌توان اهداف زندگی شخصی و اجتماعی خود را در راستای اهداف الهی و خداوندی در نظر گرفت. به عبارت دیگر وجوه مختلفی از اهداف مربوط به زندگی انسان وجود دارند که با نظر به فاعل، آن اهداف نقش خاص خود را در زندگی او ایفا می‌کنند. حال در ارتباط با نهضت عاشورا نیز پرسش از هدف این نهضت بسیار مهم بوده در معناداری آن نقشی بسیار با اهمیت دارد. این‌که نهضت عاشورا ناظر به اهداف دنیوی موقتی چون تصرف شهر کوفه و تشکیل حکومت بوده یا نابودی دستگاه ظالمه و حمایت از ستمگران مورد نظر بوده یا برقراری عدالت و کمک به محقق ساختن آزادی حقیقی انسان و یا احیای ارزش‌های محوشده اسلامی و سنت نبوی و علوی بوده یا این‌که ترکیبی از همه آن‌ها مدنظر بوده است.



همه این موارد به سهم خود نقش خاصی در معناداری نهضت عاشورا دارند. در این زمینه، برخی بر اهمیت و اولویت اهداف دنیوی کوتاه مدت نهضت عاشورا تأکید دارند و تصرف کوفه برای تشکیل حکومت را مهم ترین هدف از قیام امام حسین علیه السلام معرفی می کنند. (صالحی، ۱۳۶۲: ۹۴-۹۸)

ممکن است بتوان چنین هدفی را به عنوان یکی از اهداف اولیه و واسطه ای و موقتی نهضت عاشورا لحاظ کرد؛ زیرا چنین هدفی می تواند در خدمت محقق ساختن اهداف و آرمان های متعالی و بلندمدت باشد اما اولویت دادن و محوریت دادن به چنین هدفی، قطعاً نه تنها با محتوای نهضت عاشورا سازگار نیست، بلکه موجب بی معنایی و دنیوی شدن این نهضت شده، آن را نهضتی برای قدرت طلبی سیاسی معرفی نماید. ضمن این که محتوای نهضت عاشورا و سخنان صریح امام حسین علیه السلام، نافی این است که تشکیل حکومت در کوفه هدف صرف چنین نهضتی بوده باشد.

اگرچه می توانست به عنوان گامی مقدماتی برای تحقق اهداف متعالی بعدی لحاظ گردد. اما واقع نگری در باب واقعه عاشورا و سخنان امام حسین علیه السلام نشان می دهد که در این نهضت هم اهداف موقت دنیوی مورد نظر بوده و هم اهداف بلندمدت و اخروی. ضمن این که رابطه طولی ای بین این دو گونه اهداف برقرار بوده است، به این صورت که تحقق اهداف کوتاه مدت در راستا و در طول تحقق اهداف بلندمدت بوده است. بنابراین اهدافی چون براندازی حکومت یزید، تشکیل حکومت در کوفه، دفاع از مردم مظلوم کوفه و نظایر آن همچون اهداف کوتاه و وسیله ای بودند که برای تحقق اهداف متعالی و بلندمدتی مانند عدالت طلبی، آزادی خواهی، مظلوم دوستی، تأمین سعادت خلق، اصلاح امور دینی مردم و نظایر آن نقش ابزار و گام های اولیه را ایفا می کردند.

در واقع، هدف اصلی نهضت عاشورا همان امور بلندمدت و متعالی آخرتی است که امور دنیوی کوتاه مدت در همان راستا ایفای نقش کرده و ارزش خاص خود را دارا هستند. در این زمینه موارد متعددی در سخنان امام حسین علیه السلام وجود دارد که مبین ارزش و اصالت اهداف پایدار آخرتی یا ناظر به سعادت اخروی است. مواردی مانند وصیت امام به برادرش محمد بن حنفیه، مبنی بر این که هدف از نهضت اصلاحی او امر به معروف و



نهی از منکر است. تأکید بر اجرای محتوای کتاب و سنت در نامه خطاب به مردم بصره و در جواب نامه‌های مردم کوفه. تأکید بر ضرورت رهبری و هدایت امت اسلامی و ضرورت رفع ظلم و مقابله با ظالم در مواجهه امام با لشکریان سپاه حر.

تأکید بر ضرورت دوری از ذلت و خواری و احیای فضایل دینی و اخلاقی در خطبه امام علیه السلام هنگام ورود به کربلا. تأکید بر احیای نگرش آخرتی و نخوردن فریب دنیا و دعوت مردم به سعادت و خوشبختی حقیقی در سخنرانی‌های روز عاشورا و تأکید بر آزادی و حریت در واپسین سخنان سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا، همگی مؤید اهداف بلند و پایدار و متعالی امام حسین علیه السلام در جریان نهضت عاشورا است. در واقع وجود چنین اهداف متعالی و معنوی است که رنج‌ها و بلاهای مختلف را نه تنها بر قهرمانان کربلا تحمل پذیر بلکه شیرین و گوارا می‌سازد و آن‌ها را مشتاق شهادت خونین و لگدمال شدن زیر سم اسبان لشکریان عمر سعد می‌سازد. وجود چنین اهداف ارزشمندی است که تحمل غارت خیمه‌ها، به اسارت رفتن اهل بیت، شنیدن تهمت‌ها و افتراهای اهل کوفه و شام و تحمل مصائب مختلف دوران اسارت را برای آن‌ها ممکن و هموار می‌سازد.

اگر چنین اهداف متعالی و ارزشمندی در متن نهضت عاشورا نهفته نبود، چه توجیه عقلانی برای خروج از مدینه، اقامت در مکه، به همراه بردن اهل بیت به ویژه کودکان، مبتلا شدن به سختی‌های فراوان و به کشتن دادن خود و ۷۲ تن از یاران و اسارت اهل بیت، برای امام علیه السلام وجود داشت؟ پس وجود چنین اهداف متعالی است که برای تحقق آن‌ها نه تنها تحمل بلاها و مصائب بلکه کشته شدن و قطعه‌قطعه شدن بدن‌های شهدای کربلا هم مجاز و بلکه خود افتخار بزرگی است. این اهداف هستند که نه تنها کلیت واقعه و نهضت عاشورا را معنادار می‌سازند بلکه به تک‌تک اجزای این واقعه و عناصر این نهضت ارزش و معنای خاصی می‌بخشند. به همین دلیل است که نهضت عاشورا نهضتی الهی و هدفمند است که در پرتو آن معنای حقیقی را از زندگی و مرگ برای ما بازسازی و بازتعریف می‌سازد.

### نتیجه

در این تحقیق عناصر و مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر معناداری زندگی انسان مورد بررسی

قرارگرفت و تلاش شد جایگاه و نقش آن‌ها در واقعه و نهضت عاشورا مورد بازخوانی قرار گیرد. این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها کلیت زندگی انسان تنها با دارا بودن چنین مؤلفه‌هایی معنا دار است، بلکه نقش آن‌ها را در موارد جزئی زندگی نیز می‌توان بازایی کرد. براین اساس، به واسطه جایگاه امام حسین علیه السلام به عنوان امام و ولی مسلمین و جایگاه برجسته نهضت عاشورا در میان رویدادهای قرن اول هجری، شایسته است که نقش مؤلفه‌های مذکور مورد بازخوانی و بازاندیشی قرارگیرد؛ زیرا اگر بپذیریم که سنت نبوی و سیره و روش ائمه معصومین علیهم السلام برای ما به عنوان الگوهای نظری و عملی قابل سرمشق‌گیری هستند، قطعاً یکی از بهترین مصادیق چنین سیره و سنتی، عملکرد سیدالشهدا علیه السلام در واقعه و نهضت عاشورا است؛ زیرا جهت‌گیری الهی این نهضت و تأکیدات مکرر آن بر فضایل و آموزه‌های دینی، چون آزادی، عدالت، ظلم‌ستیزی، مظلوم‌دوستی، امر به معروف، نهی از منکر، احیای کتاب الهی و نظایر آن، قطعاً مصادیق تجلی عینی مؤلفه‌های معنای زندگی در همه اعصار هستند.

پس وظیفه ما بعنوان شیعیان پیرو نهضت عاشورا آن است که هرآن آموزه‌های حماسی و معنا ساز زندگی نهضت عاشورا را مورد بازخوانی و بازاندیشی قرار دهیم و بتوانیم از آن‌ها به مثابه الگوهای زنده برای زیست سعادت‌مندان استفاده کنیم. به عبارت دیگر، وظیفه عقلانی ما نه در صرف گریستن بر مصائب کربلا و تقدیم انواع نذورات و برپایی انواع سوگواری‌ها و گسترش روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی است، اگرچه هر کدام از این کارها در حد معقول خود پسندیده است، بلکه رسالت عقلانی ما در گذر از لایه‌های جنبه شعائری نهضت عاشورا و نفوذ در پیام‌های زیرین و تقرب به اهداف متعالی است که این نهضت برای تحقق آن اهداف برپا شده است.

تلاش ما برای برپا داشتن عزای حسینی، زمانی تلاش دینی و عقلانی است که برپایی شعائر ظاهری عاشورا منجر به تجلی آموزه‌های حقیقی این نهضت در زندگی ما شود. به سخن دیگر، سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای او شهید نشدن که ما بر آن‌ها بگیریم، برای آن‌ها ماتم بگیریم، به بلایای وارده بر آن‌ها اشک بریزیم، برای کسب انواع ثواب‌ها در عزای حسینی شرکت کنیم، نیازهای خود را از آن‌ها طلب کنیم، آن‌ها را واسطه شفای خود قرار

دهیم و با گریستن بر آن ها گناهان خود را تسویه نماییم؛ بلکه آن ها شهید شدند که ما با بازاندیشی این واقعه و اهدافی که شهدای عاشورا به خاطر آن ها خون خود را هدیه کردند، آن اهداف را هر آن در زندگی خود متجلی سازیم و مطابق سیره آن ها عمل کنیم.

امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا خون خود را نثار کردند که با تاسی به آن ها، انسان هایی آزاده، عدالت طلب، ظالم ستیز، مظلوم دوست، امر به معروف، ناهی از منکر، عمل کننده به کتاب خدا و سیره معصومان علیهم السلام و متخلق به فضایل اخلاقی باشیم. تنها با تحقق شروط اخیر است که ما شیعیان و دوست داران نهضت حسینی می توانیم مدعی شویم که نهضت عاشورا در زندگی ما نقش معناداری دارد و همه یا بیشتر ابعاد زندگی ما را معنای خاصی می بخشد. در غیر این صورت، یعنی صرف نگرش شعائری و تبدیل عزای حسینی به صرف عادت و رسم اجتماعی یا تبدیل آن به دستگاه برآورنده حاجات و تصفیه گناهان، نه تنها هیچ معنایی به زندگی ما نمی دهد، بلکه نگرش ما را به این نهضت بی معنا و کاسب کارانه می سازد.

در این جا سخن امام حسین علیه السلام در بیان مردمی که دین را صرفاً برای تمشیت امور دنیوی خواهانند و هنگام امتحان فرار می کنند، ممکن است بر آن دسته از عزاداران امام حسین نیز صدق کند که صرفاً طالب حاجات و شفا و بخشش گناهان بوده، اما هیچ توجهی به آرمان های متعالی عاشورا و لزوم التزام عملی به آن ندارند. از این رو جست و جوی معنای زندگی در نهضت عاشورا در زمانه ما به معنای فراتر رفتن و گذر کردن از مرزها و جنبه های ظاهری و شعائری عاشورا و نفوذ در آموزه های حقیقی و متعالی آن است.

هرگاه دیده شد که در میان عزاداران حسینی تخلق به فضایل اخلاقی رشد کرده و آن ها انسان هایی آزادی خواه، عدالت طلب، ظالم ستیز، مظلوم دوست، عامل به معروف ها و اجتناب کننده از معاصی و نظایر آن هستند، می توان به تقرب آن ها به معنای عاشورایی از زندگی امید داشت.

## منابع

- ابن اثیر، معزالدین (۱۳۸۷)، *الکامل*، ج ۳، بیروت.
- بیات، محمدحسین (۱۳۹۴)، *دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان مذاهب.
- تامسون، گرت (۱۳۹۶)، *معنای زندگی*، ترجمه: غزاله حجتی و امیرحسین خداپرست، تهران، نشر نگاه معاصر.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۳۹۴) *تحف العقول*، قم، نشر آل علی علیه السلام.
- خوارزمی، احمد (۱۳۶۷)، *مقتل الحسین علیه السلام*، ج ۱، تهران، انوار الهدی.
- سید ابن طاووس (۱۳۲۱)، *لهوف*، تهران، اسوه.
- صالحی نجف آبادی (۱۳۶۲)، *شهید جاوید*، تهران، چاپ پرچم.
- قربانی، قدرت الله (۱۳۹۶)، *مسئله شر و معنای زندگی*، پژوهش های عقلی نوین، ش ۴، پاییز و زمستان ۹۶.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۷)، *بحار الانوار*، ج ۹۷، تهران، چاپ اسلامیة.
- نجمی، محمدصادق (۱۳۹۳)، *سخنان امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا*، قم، بوستان کتاب، چاپ نوزدهم.

